

## کاری ارجمند اما نه برای همیشه\*

رضا روحانی

کتاب شریف مثنوی که به وصف «معنوی» همراه گشته، در واقع عمق معنویت خود را از قرآن کریم کسب کرده و این نکته‌ای است که هم از متن آن کتاب برمی‌آید و هم گوینده آن به تکرار بدان اذعان دارد. در مقدمه مثنور دفتر اول از قول جناب مولانا می‌خوانیم که کتاب خود را «کشاف القرآن»<sup>۱</sup> می‌نامد.<sup>۲</sup>

در مثنوی شریف، استفاده، استشهاد و استمداد از مضامین و داستان‌های قرآنی چنان وسیع و پربسامد و متنوع است که فهم اکثر مطاوی مثنوی جز با شناخت مفاهیم قرآنی یا ممکن نیست و یا در صورت امکان، همه جانبه و کامل نمی‌تواند باشد. البته در مقابل، شناخت برخی حقایق باطنی و معنوی قرآن نیز با کتاب مولوی ممکن تر به نظر می‌رسد.

پرداختن به قرآن و معانی آن تا به اندازه‌ای است که به تعبیر استاد زرین‌کوب: «مثنوی گهگاه همچون تفسیری لطیف و دقیق از تمام قرآن کریم محسوب می‌شود... بدین گونه اشمال بر معانی و لطایف قرآنی در مثنوی تا حدی است که از این کتاب نوعی تفسیر صوفیانه، موافق با مذاق اهل سنت می‌سازد».<sup>۳</sup>

علت این اعتبار بسیار برای قرآن و اعتنای بیشتر از سایر شاعران، حتی شاعران عارف نیز متعدد است. غیر از سوابق شغلی و خانوادگی او که بیشتر وعظ و افتاء بوده، دلایل و انگیزه‌های شخصی و معرفتی دیگری نیز باعث می‌شده است که او کتاب خود را کاملاً صبغه‌ای الهی و قرآنی بدهد و سیرت و صورت مثنوی را با سیرت و صورت کلام و پیام حق بیاراید و بیاگند.

باری، در این مقال قصد معرفی و بررسی اجمالی اثری را داریم که به تازگی و به نام قرآن و مثنوی به بازار دانش عرضه شده است. کتاب حاضر تدوین آقایان بهاء‌الدین خرمشاهی و سیامک مختاری است که در نشر قطره (۱۳۸۳) منتشر شده و عنوان فرعی آن «فرهنگواره تأثیر آیات قرآن در ادبیات مثنوی» است.

---

\* رضا روحانی، «کاری ارجمند اما نه برای همیشه» منتشر شده در کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شهریور ماه ۱۳۸۳.

این کتاب در ۷۲۸ صفحه ارائه شده که ۹ صفحه اول آن پیشگفتار، و حدود ۱۰۰ صفحه آخر آن نیز شامل فهرست آیات و ابیات مندرج در کتاب است.

در پیشگفتار کتاب که به قلم جناب خرمشاهی است، بحثی کوتاه (۵ صفحه) در انواع ربط و پیوند قرآن و مثنوی آمده و بیان شده که «سبک و ساختار تو در تو و خوشه - خوشه، و گسسته نمای ظاهری (و پیوسته باطنی) مثنوی هم متأثر از شیوه و شکل و زبان و بیان و سبک و سیاق قرآن است».<sup>۴</sup> ایشان یکی از وجوه ربط و پیوند این دو کتاب را نفوذ الفاظ و معانی آیات و عبارات قرآنی در ابیات مثنوی می‌داند که از دیدگاه ایشان به ۵ شکل: تضمین، برگرفتن، اقتباس، الهام گرفتن و اشاره داشتن قابل حصر است. البته در متن کتاب همه اثرپذیری‌ها تحت یکی از سه عنوان اقتباس، الهام و اشاره (و به ندرت «برگرفته») آمده است.

درباره شیوه کار و تدوین کتاب نیز می‌خوانیم که «ساختار این کتاب مرجع، چنین است که ابتدا ابیات مثنوی که ربط و پیوندی یعنی اثرپذیری از آیات و عبارات قرآنی دارند، با حروف سیاه، درج شده و در ذیل آن شماره دفتر و شماره بیت آمده است».<sup>۵</sup>

بعد از ذکر بیت از مثنوی، آیه اصلی مورد اشاره یا اقتباس و یا الهام ذکر شده و نشانی آیات مشابه آمده و ترجمه آیه نیز از ترجمه جناب خرمشاهی نقل شده است. شرح و توضیحی نیز نیامده «مگر به ندرت و در جایی که کمال ضرورت را داشته است که به خواننده / مراجعه‌کننده در موارد دیرپاب، که ربط و رابطه آشکار نیست، یاری داده شود».<sup>۶</sup> کل کتاب از ابتدا تا انتها به همین شیوه تدوین شده است. در اینجا در دو بخش، به مزایا و معایب کار که به نظر نگارنده این سطور آمده اشاره می‌شود:

### الف. مزایا

۱. این کتاب به علت پرداخت ویژه به آیات مثنوی در حجمی شایسته و با چاپی زیننده و بی‌غلط و چشم‌نواز، قابل توجه و ارزشمند است.
۲. کتاب حاضر با ترجمه آیات مورد اشاره در مثنوی، بر همگانی شدن استفاده از آن افزوده است. امری که در برخی کتاب‌های مشابه، مثل آیات مثنوی مغفول مانده بود.
۳. با اهتمام و تلاش مبارک تدوین‌کنندگان محترم، برخی از ابیات مثنوی که بیشتر ربط و پیوندشان با مثنوی بازیابی و ذکر نشده بود، یا حداقل در آثار پراکنده و مختلف ذکر شده بود، در یک مجموعه فراهم آمده است.

### ب. کاستی‌ها و اشتباهات

با همه تلاشی که تدوین‌کنندگان محترم کتاب به انجام رسانده‌اند، برای مراجعه‌کننده یا خواننده آشنا به مثنوی و مقوله مولوی پژوهی ابهامات، کاستی‌ها و اشتباهاتی در تدوین کتاب و محتوای آن دیده می‌شود که ذکر برخی از مهم‌ترین آن موارد ضروری به نظر می‌آید:

## ۱. کافی نبودن دلایل و توجیهات تدوین کتاب

با وجود کتاب‌هایی ویژه درباره آیات مثنوی و نیز درج آیات مثنوی در اکثر شروح گذشتگان و معاصرین،<sup>۷</sup> در کتاب حاضر دلایل چندان موجهی در ضرورت تدوین چنین اثری دیده نمی‌شود، یعنی در ابتدای کتاب به خوبی توجیه و تبیین نشده که چه ضرورت‌ها و نیازها و انگیزه‌های تازه‌ای موجب تدوین این کتاب شده است.

درباره پیشینه این کار و آثار همانند، در پیشگفتار اثر، نام دو اثر (مرآت المثنوی و آیات مثنوی) و یک شرح (شرح آقای کریم زمانی) نقل شده و گفته شده که این کوشش‌ها برای نمایاندن تأثیر آیات قرآنی در مثنوی قابل توجه اما ناتمام بوده است. سپس، در جواب این سؤال که «چرا کتاب حاضر به این درجه از حجم و جامعیت رسیده است، آورده‌اند که «تاکنون کسانی که به تدوین این گونه فهرست‌ها همت ورزیده‌اند، فقط انس با آیات قرآن و ابیات مثنوی داشته‌اند. و تا این زمان و این اثر، هیچ گاه محقق‌هایی که حافظ کل قرآن بوده باشد، به تنظیم چنین فرهنگ فهرست‌وار یا فهرست فرهنگ‌واره‌ای نپرداخته است. عمده امتیاز کتاب مرجع حاضر در این است که تحقیق و تطبیق اصلی و اولیه و کارساز آن را یکی از حافظان برجسته قرآن... عهده‌دار بوده‌اند... و سالیان سال نیز با مثنوی محصور بوده‌اند».<sup>۸</sup>

چند اشکال عمده در اینجا مشهود است، اول آنکه بهتر بود به سایر کوشش‌های انجام گرفته در این زمینه نیز حداقل اشاره می‌شد تا خواننده دریابد که با همه این کوشش‌ها، چه ضرورتی وجود داشت که کتابی به شکل حاضر تدوین شود؟

نکته دیگر آنکه این سخن در کجا گفته یا اثبات شده است که هیچ کدام از شارحان و تدوین‌کنندگان معاصر و به ویژه در گذشته، امثال انقروی و اکبرآبادی، حافظ کل قرآن نبوده‌اند؟ سومین ایرادی که بر کلام فوق‌الذکر وارد است آنکه الزامی در این نیست که هر که حافظ مصحف شریف باشد (و با مثنوی نیز محصور باشد) بهتر از کسی این خدمت را به انجام رساند که حافظ کل قرآن نیست. چه بسا کسی که در شناخت و پژوهش قرآن و مثنوی تبحر بیشتری دارد (اما حافظ قرآن نیست) بتواند تأثیر آیات قرآن در مثنوی را با استفاده از شیوه‌ای درست، بهتر و بیشتر از آنچه در این کتاب انجام یافته، بازنمایی کند.

## ۲. فقدان روشمندی لازم و طرح تازه

درباره غیر روشمند بودن اثر یا تازه نبودن شیوه تدوین کتاب ذکر این نکات ضروری است: اول آنکه در تدوین این کتاب، طرح ویژه‌ای دیده نمی‌شود، و دسته‌بندی تازه‌ای از انواع تأثیرات قرآن در مثنوی و شیوه‌های اثرپذیری مولوی از قرآن ارائه نشده است و از این جهت کتاب بدیعی محسوب نمی‌شود،<sup>۹</sup> یعنی طرح مطالب در این اثر، همانند همان کاری است که در کتاب‌های مشابه و در شروح نو و کهن مثنوی انجام یافته است.

دیگر آنکه در این اثر، موارد مشابه به جای ارجاع به یکدیگر، در اکثر موارد تکرار شده است، و علت اصلی حجم زیاد کتاب نیز همین نکته بوده، و این امر آگاهانه باشد شائبه افزون سازی حجم کتاب را به ذهن می آورد. ارجاع موارد تأثیر به مورد نخست در کتاب بسیار اندک و انگشت شمار است، چنانکه در ۲۵۰ صفحه نخست کتاب بیش از ۵ مورد به موارد مشابه قبلی ارجاع نشده است. امری که با قاعده‌های نوین نگارش و تدوین کتاب، به ویژه در کتابی با عنوان و قصد مرجع شدن و فرهنگ‌وارگی سازگاری ندارد.<sup>۱۰</sup>

به عنوان نمونه عین آیه ۶۹ سوره انبیاء (؛ قلنا یا نارکونی بردا و سلاما علی ابراهیم) و ترجمه آن، در ۱۵ موضع از این کتاب (صفحات ۵۱ - ۶۳ - ۶۵ - ۹۱ - ۱۶۵ - ۱۷۸ - ۱۸۱ - ۲۲۶ - ۲۴۵ - ۲۴۸ - ۲۷۶ - ۳۰۰ - ۴۴۱ - ۵۷۲ - ۶۲۱) بدون هیچ ضرورتی، تکرار شده که اگر یک مورد درج و ۱۴ مورد دیگر به مورد اول ارجاع می‌شد، هم کار روشمندتر می‌شد و هم بیهوده بر حجم کتاب افزوده نمی‌گشت.

این کار (تکرار موارد، به جای ارجاع آنها) وقتی درشتناک‌تر و ناخوش‌تر است که بدانیم تعداد کثیری از آیات، به تکرار، در بسیاری از مواضع مثنوی اقتباس یا اشاره شده است. برخی آیات پرکاربرد حتی بیش از ۱۰ بار در مثنوی اشاره شده، که در کتاب حاضر، در همه موارد، بدون ارجاع، تکرار گشته است.<sup>۱۱</sup> این کار تدوین‌گران محترم، به ویژه به این دلیل که در انتهای کتاب نیز فهرست مفصل و جامعی از آیات به کار رفته در کتاب، با شماره صفحات و شماره آیات نقل شده، و مراجعه‌کننده به راحتی می‌تواند موارد مشابه و تکراری را بیابد، غیرضروری‌تر جلوه کرده است.

سوم آنکه نام فرعی کتاب که «فرهنگواره تأثیر آیات قرآن در ابیات مثنوی» است ایجاب می‌کرد که کتاب طرحی دیگر (فرهنگ‌مانند) داشته باشد نه به شیوه پشت سرهم آوردن ابیات شش دفتر و ذکر آیات ترجمه شده مناسب با ابیات در پی آن.

چهارم آنکه یافته‌های کتاب یعنی موارد اشاره و الهام و اقتباس، در همه موارد به طور قطع و یقین ذکر شده، در صورتی که روشمندتر آن بود که تدوین‌گران گرامی، حداقل برخی از موارد غیرصریح و پنهانی‌تر را احتمالی فرض می‌کردند، به عنوان مثال می‌نوشتند که این بیت احتمالاً اقتباسی از فلان آیه است یا آنکه محتمل است یا گمان می‌رود که به فلان آیه اشاره (دور یا نزدیکی) داشته باشد.

### ۳. استغنا از منابع و عدم استناد و ارجاع بدان‌ها

در کاری این چنین که به انگیزه کاری مرجع و نهایی تهیه می‌شود شرط آن است که با مراجعه به آثار مشابه و شروح مثنوی، بررسی و بازنمایی شود که چه ابیات یا آیاتی از آن آثار فوت و فراموش شده تا در این اثر تکمیل و تدارک گردد. از ظاهر کار چنین برمی‌آید که ارجاع و استنادی به منابع نشده و تهیه‌کنندگان ارجمند در این کتاب خود را از این کار مستغنی می‌دانسته‌اند. این استغنا باعث شده که نقص‌ها و اشتباهاتی در اثر راه یابد که در نهایی و کامل بودن آن خلل ایجاد کند. برخی از این نواقص در ذیل ذکر شده است.

#### ۴. کاری نه برای همیشه یا غیرنهایی بودن کتاب

کتاب حاضر، به رغم انتظار یا ادعا، به هیچ وجه به صورت کاری «یک بار برای همیشه»<sup>۱۲</sup> در نیامده و این دعوی، در کتاب، معنا نیافته است. هر چند که در مورد کمتر کاری نیز به ضرس قاطع می‌توان مدعی شد که کاری نهایی و آخری باشد.

این کار در صورتی می‌توانست کاری تقریباً نهایی فرض شود که حداقل در همه منابع موجود که به آیات مثنوی اشاره کرده‌اند، به ویژه شروع مثنوی، استقصایی صورت می‌گرفت.

نگارنده برای این دعوی خود که این کار تا نهایی شدن هنوز فاصله‌هایی دارد (که امید است این دو بزرگوار یا دیگران خلأها و خلل‌ها را پر کنند) به برخی از تأثیر و تأثراتی که از این کار فوت شده اشاره می‌کند.

نمونه را از کتاب *مکاشفات رضوی در شرح مثنوی*<sup>۱۳</sup> شاهد می‌آوریم، کتابی که شرح کامل همه آیات مثنوی نیز به شمار نمی‌رود، اما در همین اثر غیر کامل نیز، در نگاهی گذرا، حداقل فقط در دفتر اول به ۱۲ بیت برمی‌خوریم که صاحب *مکاشفات* به پیوندی نهانی یا آشکار بین ابیات و آیات پی برده‌اند که در کتاب *قرآن و مثنوی* (کتاب مورد بحث) اثری از آن موارد نیست. برای رعایت اختصار فقط به دو مورد و شماره ۱۰ بیت دیگر از دفتر اول، به همراه شماره سوره و آیه (که در آن کتاب به قرآن ارجاع مناسب داده شده) اشاره می‌شود:<sup>۱۴</sup>

بیت ۹۷۹

بدمحالی جست کو دنیا بجست‌نیک حالی جست کو عقبی بجست

محمد رضا لاهوری، صاحب *مکاشفات رضوی* می‌نویسد: «تضمین آیه، مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ

نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (۲۰/۴۲)»

بیت ۲۶۶۸

که تا حجت‌ها همی گفتیم ماتا به جای ما چه آید ای خدا

لاهوری می‌نویسد: «اشاره به آیه، أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ

وَ نَقْدَسُ لَكَ (۳۰/۲)»

بیت ۴۷۰ اشاره به سوره ۴ / آیه ۲۸

بیت ۶۰۶ = سوره ۴۱/۵

بیت ۹۷۰ = سوره ۳۳/۵۵

بیت ۹۸۴ = سوره ۳۷/۲۴

بیت ۱۹۴۰ = سوره ۱۷/۸ و سوره ۱۰/۴۸

بیت ۲۰۶۵ = سوره ۴۸/۱۴

بیت ۲۵۰۵ = سوره ۲۰/۱۶

بیت ۲۶۶۷ = سوره ۳۰/۲

بیت ۳۸۰۳ = سوره ۱۶۵/۲

بیت ۳۸۲۱ = سوره ۷۴/۲

البته این فوت و فراموشی‌ها تنها به دفتر اول منحصر نمی‌شود اما همین اندازه برای اشاره کافی است.

## ۵. درج مباحث غیر ضروری و کم‌ارتباط

اشاره و ورود به مباحث غیر ضروری و بی‌تناسب با اهداف کتاب نیز کم نیست. برای مثال، کلمات مهجور و دشوار ابیات، به کمک دو کتاب (شرح کریم زمانی و مثنوی به تصحیح دکتر توفیق سبحانی) معنا شده است، انجام این کار، هر چند در جای خود سودمند، در کتابی اینچنین که اثری مرجع معرفی می‌شد و موضوع آن چنین کاری را ایجاب نمی‌کند ضرورتی ندارد.

همچنین است شرحی که تدوین‌کنندگان محترم کتاب برای برخی ابیات، به ویژه ابیات آغازین دفتر اول آورده‌اند، کاری که بدون ضرورتی در صفحات آغازین کتاب شروع شده، و در صفحات میانی (به ویژه از صفحه ۷۵ به بعد) به طور محسوسی رها می‌شود.

نقل برخی احادیث و دعاها (به ویژه دعا‌های امام سجاد(ع)، و برخی کلمات امام علی(ع)) برای برخی ابیات، از همین مقوله است، کار و وظیفه‌ای که در عنوان یا مقدمه، برای کتابی مرجع که به قصد شناسایی آیات قرآن در مثنوی تدوین شده، تعریف نشده است.

## ۶. دیگر موارد اشتباه

مواردی که به عنوان اشتباه یا کم‌دقتی تدوین‌گران محترم کتاب می‌توان برشمرد (علاوه بر مواردی که در بالا اشاره شد) اندک نیست، در نگاهی گذرا و انتقادی به این نکات می‌توان اشاره کرد: اول آنکه برخی از نمونه‌هایی که در کتاب به عنوان «اشاره» به آیه ذکر شده با عنوان اشاره جای نمی‌گیرد و بیشتر از مقوله الهام و تأثیرپذیری نهانی و غیرمستقیم از آیات الهی است، به عنوان نمونه این موارد:

دفتر ۱۸۲۵/۱ - دفتر ۱۸۷۰/۱ - دفتر ۱۱۷۶/۴ - دفتر ۶۱۶/۵ - دفتر ۲۶۴۲/۵ - دفتر ۸۵۳/۶

....

منشأ اصلی این کم‌دقتی که دامن‌گیر کتاب شده به عدم تعریف روشن و دسته‌بندی روشمند از انواع و اقسام تأثیرگذاری‌های قرآن در مثنوی برمی‌گردد. جناب خرمشاهی در تعریف الهام و اشاره می‌نویسند: «الهام از یک آیه/ عبارت قرآنی و اشاره به آن فی‌الواقع فرق چندانی ندارد، و گاه به لفظی و معنوی تقسیم می‌شود. عملاً لفظی‌ها را اشاره و معنایی‌ها را الهام به حساب آورده‌ایم... حاصل آنکه اشاره و الهام با هم فرق چندانی ندارند و زیرمجموعه اقتباس‌اند».<sup>۱۵</sup>

به این ترتیب، ایشان اقتباس‌های لفظی از *قرآن* را اشاره و اقتباس‌های معنایی را الهام به حساب آورده‌اند که اگر تقسیم‌بندی تازه و بدیعی باشد، تقسیم‌بندی مفید و راه‌گشایی نیست، درست‌تر به نظر می‌رسد که بگوییم اشاره به اشاره لفظی و معنوی تقسیم می‌شود، یعنی یک بیت می‌تواند اشاره لفظی یا معنایی به فلان آیه داشته باشد، اما نمی‌تواند الهام داشته باشد، بلکه می‌تواند از آیه‌ای آشکارا و آگاهانه یا ناآشکارا و غیرآگاهانه الهام گرفته باشد. به عبارت دیگر، حرف اضافه «از» و «به» در واژه «الهام» و «اشاره»، به قول معروف اضافی نیست و معنا را مختلف می‌کند، ما نمی‌توانیم بگوییم «اشاره به» همان «الهام از» است و فرق چندانی با هم ندارند (هر چند لفظ الهام و اشاره در یک معنا نزدیک به هم باشد). مواردی نیز در این کتاب به آیات *قرآن* ارجاع داده شده که ربط روشنی - حداقل در نگاه اینجانب - به آیات قرآنی ندارد و به راحتی و حتی با دشواری نیز نمی‌توان حکم کرد که بیت به فلان آیه «اشاره» دارد. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

- ص ۲۵: ۳۶/۱

بود شاهی در زمانی پیش ازین ملک دنیا بودش و هم ملک دین  
نوشته‌اند «اشاره دارد به آیه، و منهم من یقول ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه و قنا عذاب النار...»

- ص ۳۵: ۲۷۵/۱

هر دو صورت گر به هم ماند رواست آب تلخ و آب شیرین را صفاست  
نوشته‌اند «اشاره به عبارت قرآنی، و ما یتسوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح اجاج...»

- ص ۴۳: ۴۵۴/۱

هر که جز آگاه و صاحب ذوق بودگفت او در گردن او طوق بود  
نوشته‌اند: «اشاره به آیه، انه لیس له سلطان علی الذین آمنو و علی ربهم یتوکلون...»

- ص ۷۷: ۱۲۷۳/۱

گفت پیغمبر به تمییز کسان مرء مخفی لدی طی اللسان  
نوشته‌اند «اقتباس از آیه، ولو نشاء لا ریناکهم فلعرفتهم بسیماهم و لتعرفنهم فی لحن القول و الله یعلم اعمالکم...» در اینجا اشاره به حدیث مسلم و اقتباس از آیه مشکوک بلکه مردود است، حداقل باید اشاره می‌شد که این کلام نبوی مأخوذ از *قرآن* است.

(البته در بیت ۸۴۶ از دفتر دوم:

آدمی مخفیست در زیر زبان این زبان پرده‌ست بر درگاه جان  
چون کاربرد مولانا به طور مطلق و بدون ذکر نام گوینده است، اشاره به آیه می‌تواند صحیح باشد)

- ص ۸۵: ۱۶۰۸/۱

گفت پیغمبر که ای مرد جری‌هان مکن با هیچ مطلوبی مری

مورد مشابهی است که کلام نبی (ص) است و در کتاب آمده که به این آیه قرآن اشاره دارد: «... فلا تمار فیهم الا مراء ظاهرا»

- ص ۳۹۰: ۲۴۴۲/۴

غازبان حمله غزا چون کم برند کافران برعکس حمله آورند

نوشته‌اند: «اشاره به عبارت قرآنی، و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه ومن رباط الخیل...»

- ص ۵۰۲: ۲۶۴۱/۵ - ۲۶۴۰

گفت رو به صاف ما را درد نیست لیک تخیلات وهمی خورد نیست

نوشته‌اند: «اشاره به آیه، و قاسمهما انی لکما لمن الناصحین...»

- ص ۵۵۰: ۷۰۱/۶

مطرب آغازید پیش ترک مست در حجاب نغمه اسرار الست

نوشته‌اند: «اشاره به عبارت قرآنی... الست بریکم قالوا بلی...» که اگر ما مواردی مثل آمدن واژه الست

را نیز اشاره به آیه به حساب آوریم باید برای هر کلمه‌ای که در مثنوی آمده و با قرآن اشتراک لفظی دارد نیز شاهد یا شواهد و اشاراتی بیاوریم، کاری که موجه و ممکن نخواهد بود.

- ص ۵۵۰: ۷۰۲/۶

پیش این خورشید کو بس روشنی است در حقیقت هر دلیلی رهزنی است

نوشته‌اند: «اشاره به آیه، شهید الله انه لا اله الا هو والملائکه و اولوالعلم قائما بالقسط لا اله الا

هو العزیز الحکیم»

در آخر، مولوی‌وار از خدا جوییم توفیق ادب، و امیدواریم کتاب مورد بحث، که در تدوین آن زحمت

زیادی کشیده شده، با رفع نواقص و اشتباهات، قرآن‌دوستان و مثنوی‌پژوهان را هر چه بیشتر و بهتر به کار آید.

### پانویس‌ها:

\* قرآن و مثنوی (فرهنگ تأثیر آیات قرآن در ابیات مثنوی)، تدوین بهاء‌الدین خرمشاهی و سیامک مختاری، انتشارات قطره، چاپ اول، ۱۳۸۳.

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان.

۱. مثنوی معنوی، جلال‌الدین مولوی، تصحیح رینولد نیکلسون، مولی، بی‌تا، مقدمه، ص ۱.

۲. برای تفصیل بیشتر ر. ک به: مقاله «قرآن در مثنوی معنوی» از نگارنده چاپ شده در فصلنامه هنر

دینی، شماره چهارم، تابستان ۱۳۷۹.

۳. سرنی، عبدالحسین زرین کوب، علمی، چاپ اول، ۱۳۶۴، ج ۱، ۳۴۲.

۴. قرآن و مثنوی، پیشگفتار، ص ۱۱.

۵. همان، ص ۱۵.

۶. همان، ص ۱۶.



۷. در کتاب‌های دیگری نیز به استقلال یا در ضمن شروح مثنوی و در فهرست‌های آخر شروح، به تأثیر آیات قرآنی در مثنوی، به طور ویژه و وسیع اشاره شده که تدوین کنندگان کتاب نه نامی از آنها برده‌اند و نه ظاهراً از آنها بهره‌ای گرفته‌اند، آثار نامبرده در ذیل از جمله آنهاست:

*آیات مثنوی معنوی*، تدوین نظام‌الدین نوری کوتنایی (هر چند که کتابی بسیار پرغلط است)؛ *فهرست‌های هشتگانه شرح مثنوی*، نیکلسون، تهیه و تدوین آزاده موسوی؛ *شرح مثنوی*، دکتر استعلامی، جلد ۷ شامل فهرست‌های شش دفتر است؛ *شرح مثنوی*، دکتر سید جعفر شهیدی؛ *نثر و شرح مثنوی*، از عبدالباقی گولپینارلی، ترجمه دکتر توفیق سبحانی؛ *نقد و تحلیل مثنوی و اعلام آن*، علامه محمد تقی جعفری؛ و از شرح گذشتگان به ویژه شرح انقروی و اکبرآبادی و محمدرضا لاهوری، به آیات مثنوی اشارات بسیاری کرده‌اند.

۸. *قرآن و مثنوی*، ص ۱۴.

۹. برای اطلاع از دسته‌بندی‌هایی نوین از تأثیر آیات قرآن در شعر فارسی و از جمله در مثنوی، رک: *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، دکتر سید محمد راستگو، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۱۰. در کتاب *آیات مثنوی*، تدوین دکتر محمود درگاهی، (امیر کبیر، ۱۳۷۷) به تأثیر حدود ۱۲۰۰ آیه در مثنوی اشاره شده اما به علت ارجاع موارد تکراری و عدم ترجمه آیات، حجم کتاب از ۱۹۱ صفحه تجاوز نکرده است.

۱۱. مثل این ۱۲ آیه این که در مجموع ۱۸۳ بار در مثنوی تأثیر نهاده است.

۳۴/ بقره: ۱۵ - بار ۷۴/ بقره: ۱۱ - بار ۴۹/ آل عمران: ۱۴ - بار ۱۷۲ / اعراف: ۱۹ - بار ۱۷۹ / اعراف: ۱۳ - بار ۱۷ - انفال: ۱۸ - بار ۱۱ / توبه: ۱۴ - بار ۱۸ / کهف: ۱۲ - بار ۶۹ / انبیاء: ۱۵ - بار ۳۵ / نور: ۱۸ - بار ۱۰ / سبأ: ۱۷ - بار ۸۲ / یس: ۱۷ - بار.

۱۲. *قرآن و مثنوی*، ص ۱۶.

۱۳. *مکاشفات رضوی در شرح مثنوی معنوی*، محمدرضا لاهوری، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: رضا روحانی، سروش، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۴. شماره ابیات از نسخه نیکلسون، چاپ انتشارات مولی است.

۱۵. *قرآن و مثنوی*، ص ۱۳ - ۱۴.